علی محمدی گرمانی

توزیع عادلانه ثروت

(۱۳)

مشخصات اقتصاد اسلامی
(۴)

ثروت درراه انسانیت

مسئله ثروت و بهره برداری از طبیعت و مواد آن موضوعی نیست که مورد نفی و اثبات قرار گرفته باشد بلکه این موضوع مورد اتفاق ومبدء اساسی تمام مکتبهای اقتصادی است اما مطلبی که باید مورد بررسی کامل قرار گیرد اینست که نقش ثروت در زندگی بشر باید بر چه پایه ای استوار گردد واصولا ثروتمند شدن وازدیاد مال برای چه منظور است ؟

باین سؤال هریك ازسیستمهای اقتصادی برمبنای درکی که ازجهان ومخصوصاً انسان دارند پاسخ میگویند : رژیمهای اقتصادی امروزمخصوصاً **کاپیتالیسم** که نمونهٔ بارزی از تمدن جدید است، ازدیاد ثروت را هدف اصیل ومنظور اساسی میدانند ونظر باینکه مقیاسهای مادی شالوده زندگی انسانهای تمدن جدید قرار گرفته ، ماوراء آن حقیقتی را نمی بینند و بمجرد این که تولید رو بفزونی گذارد ،هدف را تحقق یافته می انگارند وازهمین جهت در اقتصاد سرمایه داری، کوشش برای ازدیاد ثروت تنها برای خود ثروت است ومشکل اقتصادی هم فقط در ناحیه کمی تولید ملاحظه میشود وتوزیع عادلانه براساس احتیاجات همه افراد مطرح نیست اما اسلام هیچگاه نمو ثروت وزیادی تولید را هدف اساسی قرار نداده وراه منحصر بفرد رفع مشکلات اقتصادی را درزیادی ثروت نمیداند بلکه بنیاد ثروت وتولید را براساسی غیر مادی قرار داده وآنرا درراه انسانیت وتحقق یافتن مجموعهٔ اهداف وخواسته های فطری انسانی بکار برده است...

* * *

مفهوم ثروت از نظر اسلام

روایات واحادیث اسلامی ثروتی را که بمنزله ، راه برای رسیدن به سعادت واقعی باشد تعریف کرده ومردم را به کسب وتحصیل آن ترغیب نموده اند :

رسولخدا ص میفرمود : چه نیکو است مال خوب در دست مرد صالح (۱)

امام صادق (ع) فرمود: کسیکه جمع آوری مال را ازراه حلال بمنظور حفظ آبرو وادای

(۱) نعم المال الصالح للرجل الصالح.

دین وصلهٔ رحم ، دوست نداشته باشداز نیکوئی بهره‌ای ندارد (۱)

امام باقر (ع) فرمود :دنیا برای طلب آخرت کمک خوبی است (۲)

وثروتی که بخواهد هدف عالی ومنظور نهائی بشرقرار گیرد سخت مورد نکوهش قرار گرفته است .

امام صادق علیه‌السلام فرمود : دورترین اشخاص ازپروردگار کسانی هستند که تنها هم خودرادر جلب لذائذ وشهوات قرارداده‌اند (۳)

بنابراین بهره برداری از ثروتها وکوشش برای تولیدوتوزیع درصورتی ازارکان اقتصاد اسلامی شمرده میشود که درطریق اهداف اصیل انسانی قرار گیردوبشررا درراه رسالت بزرگی که بعهده دارد ازقبیل اقامهٔ عدل وایجاد اخوت یاری کند اماهمینکه ثروت ازاین مسیر منحرف گردید وچون پیشوائی مقتدر زمام زندگی همه جانبهٔ انسانرا بدست گرفت و سایر جنبه‌های کمالی اوراتحت‌الشعاع قرارداد، نه تنهادیگر موردتوجه وعنایت اسلام نیست بلکه ازآن بعنوان سرچشمه همهٔ بدبختیها وجنایات نام میبرد (۴)

اکنون بادرنظر گرفتن مفهوم ثروت ازنظر اسلام و نقشی که میتواند در جهت تکامل اجتماع اسلامی ایفا کند ، به بیان توزیع عادلانه آن درپرتو اقتصاد اسلامی می‌پردازیم :

* * *

توزیع عادلانه ثروت

معمولا در بحثهای اقتصادی جدید، مسئله توزیع بعداز تولید مورد مطالعه قرار میگیرد زیرا آنها توجهی به مجموعهٔ ثروت که عبارت ازمصادر طبیعی وثروتهای تولید شده باشدندارند ، بلکه تنها توزیع ثروت تولیدشده رامورد بررسی قرارمیدهند ولذا ناچارند در تحقیقات خوددرمرحلهٔ اول مسئلهٔ تولید ثروت را تشریح کنند وسپس توزیع آنرا موردمطالعه قراردهند اما اقتصاد اسلامی پیش ازتولید ثروت به بحث پیرامون توزیع وتقسیم عادلانه ثروتهای طبیعی که در حقیقت از ابزاروعوامل اساسی تولید میباشند ، میپردازد چون برخلاف رژیم سرمایه داری که زمین و مواداولیه آن وسایرمنابع طبیعی را تحت عنوان **«آزادی اقتصادی»** درتیول واحتکارعده‌ای

---

(۱) لاخیر فیمن لایحب جمع المال من حلال ، یکف به وجهه ، ویقضی به دینه و یصل به رحمه .

(۲) ان نعم العون الدنیا علی طلب الاخرة .

(۳) ابعدمایکون العبد من‌الله اذالم یهمه الا بطنه وفرجه.

(۴) رأس کل خطیة حب الدنیا .

اززورمندان اجتماع قرارمیدهدوتودهٔ ناتوان‌را ازاستفادهٔ آنها محروم میکند ، اسلام‌قبل‌از همه‌چیزمصادرتولیدرا تحت‌کنترل‌دقیق قرارداده‌وباوضع‌قوانین مثبت براساس نحوهٔ حقوق و مالکیت افراد، آنهارا باقسام متعددی تقسیم نموده‌و از راه‌توزیع عادلانه ثروتهای طبیعی از احتکاروحبس آنها دردست‌اشخاص‌معدودی‌که معمولا پیشوایان فسق‌وجنایت‌هستند وقرآن‌مجید ازآنها بعنوان « **مترفین**» (۱) یاد میکند ،جلوگیری بعمل‌آورده‌وبدینوسیله آزادی‌بی‌بندو باراقتصادی‌راکه‌منجر به‌مشکلات وبحرانهای شدید مالی میگردد و مفاسد اخلاقی‌واجتماعی فراوانی ببارمی‌آورد ،درکادر « **سعادت،تکامل‌وخواسته‌های‌فطری همهٔ انسانها**» محدود ساخته‌است .

روی‌این‌اصل،هنگام‌تحقیق‌وبررسی اقتصاداسلامی باید باین نکته‌توجه داشت‌که مسئله توزیع،قبل ازتولیدمورد عنایت‌وتوجه میباشد .

توزیع بر مبنای نیازها

برخلاف‌نظام اقتصادی سوسیالیسم‌مارکسیسم‌که‌مسئله توزیع‌را تابع‌نحوهٔ تولید وتغییر شکل‌آن میداندوتقسیم عادلانه ثروت‌رادر گرواشتراکی‌شدن تمام ابزارتولیدوبر طبق قانون «**هرکس باندازه‌کارش**» میشناسد، اسلام‌توزیع عادلانه‌ثروت‌را برمبنای‌نیازهای‌فطری وخواسته‌های طبیعی‌انسان استوارکرده‌است وبرای‌این‌قانون‌هم تغییر وتبدیلی قائل نیست هر چندکه‌زمان وشرائط‌آن تغییر شکل دهد زیرا مسئله، مسئله انسان واحتیاجات‌وامیال‌طبیعی او است ...

وکسانیکه نسنجیده‌ویا ازروی‌عمد اقتصاد اسلامی‌را اقتصادشبانی‌مینامندوآنراغیرقابل تطبیق بادنیای تکنیک‌معرفی میکنند ، ازاین حقیقت غافل بوده‌ویاآنرا نادیده گرفته‌اند که بشرامروز همان انسان دیروز است ، فطریات ، نیازهای عمومی وخواسته‌های‌طبیعی انسان امروزهمان امیال فطری بشردیروزاست ، انسان‌قرن بیستم همان انسان‌عصر شبانی میباشد باهمان خصوصیات وملکات انسانی ، حال‌خواه بادست‌خودزمین‌را بکندوزراعت‌کندوخواه‌با پیشرفت‌صنعت، وضع‌کشاورزی‌را بصورت‌مکانیزه مدرن امروزدرآورد .

شالوده اقتصادی‌که براساس فطرت‌انسانی گذارده‌شده‌هیچگاه فرسوده نخواهدشد،هم بدرد دنیای شبانی‌میخوردوهم ازعهدهٔ جهان صنعت برمیآید ..

---

(۱) واذا اردنا ان نهلک قریة امرنا مترفیها ففسقوا فیهافحق علیها القول فدمرناها تدمیراً (سورهٔ اسراءآیه ۱۶)

اسلام میگوید : باید ابزار و عوامل طبیعی تولید بشکلی توزیع گردد که جوابگوی احتیاجات طبیعی انسانها باشدوهمهٔ افرادبتوانند ازآن برخوردار گردند .

پرواضح است که هرانسانی باخصوصیات فردی خودد ، ارای نیازها واحتیاجات مخصوصی است که باحدود وشرائط خاصی باید بآنها توجه گردد واسلام ازراه جوازمالکیت فردی (۱) در پاره‌ای ازاموال ومباحات عمومی (۲) باین نیازفطری پاسخ مثبت داده ونظر باینکه اجتماع انسانی هم درجای خوددارای نیازهای ویژه‌ای است، اسلام حل حوائج اجتماعی راهم از راه **مالکیت عمومی** دربرخی ازمصادر تولید بعهده گرفته وچون بعضی ازافراد نمیتوانند ازطریق **مالکیت فردی** احتیاجات خودرا برطرف کنندوطبیعی است که بامحرومیت عده‌ای توازن اقتصادی مختل میگردد ، اسلام برای حفظ این توازن ونگهداری اجتماع ازبحرانهای اقتصادی **مالکیت دولت اسلامی** را هم اعتبار نموده‌است و برای هریك ازآنها قواعد وشرائط و موارد خاصی معین نموده (۳) وبدینترتیب طبیعت وموادوذخائر آنرا که خداوند بربشرارزانی داشته درمسیر رفع نیازمندیهای بشریت بشکلی عادلانه توزیع فرموده است ومشکل اساسی اقتصادی راهم بازدروجودخود انسان وکفران نعمتهای بیشمار پروردگار وتجاوز وتعدی وی بحقوق دیگران وحدود خداوند میداند (۳)

---

(۱) درشماره دوم حدود وشرائط مالکیت فردی را بطور اجمال بیان کردیم .

(۲) مباحات عمومی ثروتهائیست که همهٔ افرادمیتوانند بوسیله کار وحیازت آنها را مالك گردند وازمنافع آنها بهره‌مند شوندمنتها نوع کاربرای حیازت وتملك مباحات عمومی نسبت به ثروت موردتملك فرق میکند مثلاحیازت پرنده ویا ماهی ازراه کارتحقق پیدامیکند اما نه هر کاری بلکه کاری که ازنوع صیدباشد و یاتملك لولؤ ومرجان که از مباحات عمومی هستند بوسیله غوص در اعماق دریاها صورت میگیرد.

(۳) درشماره پیش بعضی ازموارد مالکیت عمومی ومالکیت دولت را برشمردیم .

(۴) درشماره ۱۱ سال هفتم گفتیم که اسلام برای حل مشکلات اقتصادی قبل ازچیز همه مشکل مبادی اخلاقی وفکری انسان وظلم وستم اورامورد توجه قرارداده وحل نهائی مشکل اقتصادی را در اصلاح مبانی عقیدتی واخلاقی مردم میداند .